

جمهوری اسلامی ایران و مسئله بدحجاب

محمد جواد جاوید^۱، عصمت شاهمرادی^{۲*}

چکیده

حجاب و عفاف به یکی از دغدغه‌های مهم مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های اخیر تبدیل شده است. لزوم حجاب اجباری اسلامی و همسو قلمداد کردن آن با عفاف و اخلاقی انسانی زمینه اصلی بقای این قانون از بدو تولد انقلاب اسلامی تاکنون بوده است. در دوره‌هایی خاص، انتقاد و اعتراض به حجاب اوج و افول داشته است، اما این اعتراض‌ها هیچ‌گاه فروکش نکرده است. فرضیه رقیب مهم در این زمینه در قالب لزوم رعایت «حقوق اساسی شهروندان ایرانی» مطرح می‌شود که مستند انتقادات حقوق بشری هم شده است. در مقابل، استناد به «حقوق اکثریت شهروندان مسلمان» جامعه ایرانی سبب شده دولت جمهوری اسلامی ایران همچنان در برابر موج انتقادات روزافزون و نیز فرایند عرف‌شدن «مسئله بدحجابی»، به دفاع از الزام قانونی (و نه لزوماً شرعی) بپردازد. خواه و ناخواه، به دلیل موفقیت نسبی این استدلال، با قبول این فرضیه، برای دولت اسلامی ضمن دفاع از جایگاه قانونی حجاب، لزوم نوعی بازخوانی نظری و عملی در اجرای این قانون ضروری به نظر می‌رسد. مقاله حاضر در قالب گزارشی علمی با رویکردی عمل‌گرا سعی کرده واقعیت حجاب و ادله حاکم بر بیان حقوقی و اجتماعی و نیز سیاسی در این خصوص را دقیق‌تر بررسی کند تا آینده سیاست‌گذاری درباره حجاب در جمهوری اسلامی ایران واقع‌بینانه‌تر ترسیم شود.

کلیدواژه‌ها

بدحجابی، جمهوری اسلامی ایران، حقوق، حقوق شهروندی، شریعت، ضمانت قانونی.

jjavid@ut.ac.ir

eshahmoradi@ut.ac.ir

۱. عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

۲. دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۲۲

مقدمه

مسئله ایران معاصر دیگر صرفاً حجاب نیست، بلکه مسئله روز جمهوری اسلامی ایران، در حوزه خرده‌فرهنگ‌های جاری، در واقع گذر از بدحجابی به بی‌حجابی است. با گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی، در هر دوره به اشکال متفاوت بر حجاب تأکید شده است. دهه ۱۳۶۰ دهه حجاب و الزامات قانونی آن است. دهه ۱۳۷۰ دوران سازندگی و اصلاحات و مرحله حیاتی بروز بیشتر بدحجابی در اشکال متنوع و نهادینه‌شدن آن است. درنهایت، از دهه ۱۳۸۰ تاکنون موضوع به تدریج به سمت بی‌حجابی و توفیق‌گفتمانی در این خصوص در حال توسعه است.

از این رو، باید در نگاه اول نتیجه گرفت که حجاب در جمهوری اسلامی ایران به موضوعی مهم‌تر از یک مسئله صرف دینی و فقهی تبدیل شده است. به تدریج، مسئله پوشش شرعی یا همان مسئله حجاب به یک تحدی اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است. دولت‌های متعدد بعد از انقلاب اسلامی هر یک به نوعی تلاش کرده‌اند در قالب‌ها و سلیقه‌های مختلف پوشش عرفی را همسو با ارزش‌های فرهنگی و دینی جامعه ایرانی تعریف کنند. کتب بسیار متعدد و ارزشمندی با رویکردهای مختلف طی سی سال گذشته به چاپ رسیده است. این غنای علمی متأسفانه نتوانسته است در عمل کمکی به پیشرفت کمی و کیفی حجاب بکند. شاید بالاترین خدمت این ادبیات ضمن تنوع‌بخشی به عرضه حجاب مبتنی بر مد و سلیقه روبه‌رشد جامعه معاصر ایران، باعث شده باشد حداقل کاروان بدحجابی برای اندک‌زمانی و در محدود مکان‌هایی متوقف یا از سرعت آن کاسته شود. اما به‌رغم دغدغه‌های فراوان مردم و مسئولان، بعضاً حجاب به‌مثابه نماد شریعت و اسلامیت نظام جمهوری اسلامی ایران، در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و نیز اقدام مطلوب در اجرا دچار چالش است.

در مقاله تحقیقی حاضر، تلاش شده ضمن آسیب‌شناسی اقدامات معطوف به حجاب و عفاف در جمهوری اسلامی ایران، راهکارها و پیشنهادهای قانونی و عرفی در این خصوص واقع‌بینانه ارزیابی شود. فرضیه اصلی این تحقیق تحلیلی، که در قالب نقد و تبیین تقدیم می‌شود، آن است که مسئله حجاب در ایران معاصر، به‌عنوان موضوع روز، بنا به دلایل اقتصادی و فرهنگی، و نه لزوماً سیاسی و امنیتی (فرضیه رقیب)، ادامه خواهد داشت. راهکار درمان این مسئله محتاج تأمل اساسی و تحول در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی است. در این مسیر، پیرو فرضیه اصلی، استناد به اصل قانونی‌بودن حجاب تنها معیار الزام به پوشش اسلامی برای همه شهروندان خواهد بود.

آسیب‌شناسی بدحجابی در ایران کنونی

امروزه، به مسئله حجاب فقط در قالب شرعی و دینی نگریسته نمی‌شود، بلکه بُعد مهمی از

موضوع حجاب با حقوق شهروندان و نقش دولت پیوند خورده است. طرح‌های زمستانه [۳۹] و تابستانه [۳] برخورد با بی‌حجابی و بدحجابی بیش از آنکه محمل شرعی را برای مجریان رقم زند، بیشتر به نوعی دفاع از ارزش‌های رسمی سیاسی در جامعه تغییر کاربری داده است و بدحجابان و بی‌حجابان در مقابل به گروه‌های مخالف هنجارهای حکومتی تفسیر می‌شوند.^۱ گزارش کارگروه وزارت کشور درخصوص موضوع حجاب، که در سال ۱۳۹۱ به ارزیابی وضع حجاب در تهران مشغول بود، بر این فرض محوری شکل گرفته بود که عمده بدحجابی محمل سیاسی دارد و افراد بی‌حجاب و بدحجاب دارای گرایش‌های معارض حکومت هستند. این تفسیر البته به دنبال وقایع سال ۱۳۸۸ و استمرار معالجه فتنه سیاسی شاید دور از انتظار هم نبود. نتیجه چنین برداشتی طبیعتاً توجه به ابعاد امنیتی و سیاسی مسئله حجاب بود که از بی‌حجابان به‌عنوان ستون پنجم دشمن یاد می‌کرد. در مقابل، ارزیابی کارگروه معاونت برنامه‌ریزی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی درخصوص بدحجابی در ایران، از فرضیه‌ای حمایت می‌کرد که براساس آن عمده بدحجابی در ایران معاصر عامل اجتماعی و فرهنگی دارد و لزوماً محتاج توجه امنیتی و سیاسی نیست. پیامد منطقی چنین نگاهی به بازخوانی فضای فرهنگی و نیز توجه به نوعی تدارک مهندسی فرهنگی برای بالابردن ابتکار عمل نیروهای حزب‌اللهی، همراه با توسعه شبکه‌های فرهنگی و اجتماعی دینی، منجر شد.

در تلاقی این دو دیدگاه، برخی از گروه‌های اجتماعی در بطن جامعه نگاهی افراطی را تقویت کردند که بدحجابی را برابر با بی‌حیایی، بی‌عفتی و کفر قلمداد می‌کرد و با تمسک به بند میم وصیت‌نامه امام راحل (ره)^۲، امر به معروف و نهی از منکر را خودسرانه به سر حد اقدام خشونت‌آمیز کشاندند [۲۳].^۳ از نظریه‌های عمومی تلقی‌شدن بانوان و دختران بی‌حجاب تا

۱. از زمان آغاز طرح «ارتقای امنیت اجتماعی» در ایران، از سال ۱۳۸۶، پلیس هر سال، به‌ویژه پیش از شروع فصل تابستان، درباره نحوه پوشش زنان در مکان‌های عمومی هشدار می‌دهد، اما انتقادهای متفاوت همواره پابرجاست [نک: ۳].

۲. قسمتی از بند میم وصیت‌نامه سیاسی امام خمینی (ره): «باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن، که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آن‌ها واجب است و از آزادی‌های مخرب باید جلوگیری شود و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به‌طور قاطع، اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می‌باشند و مردم و جوانان حزب‌اللهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند، به دستگاه‌های مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند، خودشان مکلف به جلوگیری هستند.»

۳. البته باید توجه داشت که امام پیش‌تر هرگونه مداخله مردم در ارتکاب ضرب و شتم علیه بدحجابان یا بی‌حجابان را ممنوع کردند: «ممکن است تعرض به زن‌ها در خیابان و کوچه و بازار از ناحیه منحرفین و مخالفین انقلاب باشد. از این جهت، کسی حق تعرض ندارد و این‌گونه دخالت‌ها برای مسلمان‌ها حرام است و باید پلیس و کمیته‌ها از این‌گونه جریان‌ها جلوگیری کنند» [نک: ۲۳].

مجوز تجاوزهای جنسی به محافل خصوصی آنان در کاشمر و خمینی‌شهر اصفهان و هتاک‌ی و ضرب زنان و دختران بدحجاب در جهرم در ۸ آذر ۱۳۹۳ [۷] و در نهایت فاجعه‌ی اسیدپاشی و ضرب و جرح انفرادی و گروهی، همگی، هرچند به‌مثابه‌ی بهانه‌ی نظری، مستمسکی چون ادله‌ی شرعی [۹] یا قانونی [۹] داشتند، در عمل آثار جبران‌ناپذیری بر جای گذاشتند [۳۳]. برخی از این دیدگاه‌های افراطی درباره‌ی حجاب به دلیل جایگاه رسمی صاحبان آن ابعاد بین‌المللی یافت [۱]. غافل از اینکه به استناد ادله‌ی دینی نیز این‌گونه اقدامات حرام و غیرقانونی است.

۱. به گزارش خبرگزاری رسمی ایران (ایرنا)، دست‌کم شش زن در جهرم هدف حمله با چاقو قرار گرفته بودند که پنج نفر از آن‌ها دانشجو بودند. ضارب، موسوم به محمد بهشتی‌فر، در اعترافات خود گفته است حمله با چاقو به زنان و دختران جهرم را پس از شنیدن صحبت‌های یکی از روحانیان که «ریختن خون بدحجاب را مباح شمرده است» انجام داده و هدف وی «اقدام عملی برای نهدن از منکر» بوده است. در همه‌ی موارد، ضارب با چاقو به باسن دانشجویان دختری زده بود که با مانند تردید می‌کرده‌اند. گفته می‌شود ناامنی‌های جاری در شهرستان جهرم باعث شد که در نهایت دانشجویان از روز چهارشنبه کلاس‌ها را تعطیل کنند.

۲. نگاه تحقیرآمیز برخی محافظه‌کاران به قربانیان تجاوز جنسی، حتی در هنگام وقوع برخی موارد عملی، بازتاب رسانه‌ای داشته است. از نمونه‌های جنجالی این رویکرد، اظهارات امام جمعه‌ی خمینی‌شهر در ۲۰ خرداد ۱۳۹۰ در پی تجاوز دسته‌جمعی به چند زن در این شهر بود که تأکید می‌کرد قربانیان، «آدم‌های علیه‌السلامی نبوده‌اند». در پی آن واقعه، اظهارات یکی از متهمان نیز خبری شد که تأکید داشت: «وضعیت قربانیان از عوامل تجاوز به آن‌ها بوده است». با وجود همه‌ی این سوابق، انتشار علنی مطالبی در توجیه تجاوز به زنان بی‌حجاب در یک خبرگزاری رسمی، پدیده‌ی متفاوتی است.

۳. خبرگزاری تسنیم به‌تازگی در سال ۱۳۹۲ مطلبی را منتشر کرد که بر این نکته تأکید دارد: براساس همان منطقی که شخصی بودن حق پوشش برای زنان ایران به رسمیت شناخته می‌شود، می‌توان «حق التذاذ» بدون اجازه‌ی مردان از آن‌ها نیز به رسمیت شناخت و «تجاوز» تلقی نکرد.

۴. یکی از نمونه‌های خبرساز این نگاه، اظهارات یکی از فعالان رسانه‌ای جبهه‌ی پایداری بود که در دی ۱۳۹۱، با مقصر دانستن رفتارهای «تحریک‌آمیز» در وقوع تجاوزهای جنسی نوشت: «بدپوششی، تجاوز دختران به آرامش روانی مردان است» و افزود: «نمی‌توان فضا را پر از تحریک و تنش کرد و آن‌وقت انتظار داشت هیچ‌کس خطا نکند.» او با ادله‌ای به اعتقاد خودش تلاش کرد حداقل ناخواسته به نفع عاملان تجاوز جنسی از قربانیان جنسی انتقاد کند: «بدپوششی دختران جوان و رفتارهای تحریک‌آمیزشان ارتکاب جرایم شدید علیه آنان را تشدید می‌کند.» به نظر می‌رسد این استدلال مشابه استدلال نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی است.

۵. متأسفانه برخی از نگاه‌ها به دلیل تفسیر غلط از فرمایش بزرگان است. حتی تنزل غیرمحبوبه به سطح حیوانی نمی‌تواند مستند تحقیر یا تجاوز باشد. از این منظر استناد به استاد مطهری درست نیست تا مستند خشونت باشد. چون دلیل مهم شهید مطهری، آنجا که در مسئله‌ی حجاب ادله‌ی حجاب را مطرح کرده، این است که از طریق حجاب برای زن حرمت ایجاد می‌شود و این پوشیدگی برای زن بهتر است و ارزش زن و حرمت او را بیشتر تأمین می‌کند. بنابراین، کسی که این اصل را نپذیرد، پس برای خودش ارزش قائل نیست. از این‌رو، چنین فردی از محدوده‌ی انسانی خارج می‌شود و نگاه کردن به او مانند نگاه کردن به بهایم است. از نظر ما، با رعایت نکردن حجاب، حرمت زن مسلمان خدشه‌دار می‌شود. وقتی زن غیرمسلمان به چنین اصلی قائل نیست، لذا نگاه به او هم مانند نگاه به بهایم است.

در نتیجه، نگاه اخیر، که هیچ‌گاه مقامات رسمی و علمای دینی ایران آن را تأیید نکردند، در عمل شوک بزرگی بر مسئله قانونی و اجباری بودن حجاب در سه دهه پس از انقلاب اسلامی وارد کرد [۲].^۱ به دنبال چنین حساسیت‌ها و ضرورت‌هایی بود که بالاخره خلأ قانونی در این خصوص هم حل شد و نمایندگان مجلس شورای اسلامی (روز سه‌شنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۳)، در گرماگرم انتشار اخبار درباره اسیدپاشی‌های مکرر در اصفهان، طرح «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» را با اکثریت آرا تصویب کردند. براساس این مصوبه، هیچ شخص یا گروهی حق ندارد به‌عنوان امر به معروف و نهی از منکر دست به اعمال مجرمانه، توهین، افترا، ضرب، جرح و قتل بزند. هم‌زمان نیز طرحی به نام «صیانت از حریم عفاف و حجاب» تقدیم هیئت‌رئیس مجلس شورای اسلامی شد. جریمه و حبس برای بدحجابی و دارندگان آنتن ماهواره از فرازهای جدید این طرح است. علاوه بر این، در موضوع عفاف و حجاب، جریمه نقدی و شرکت در دوره‌های آموزشی به دیگر ضوابط موجود پیشین در این زمینه اضافه شده است [۱].^۲ سخنگوی کمیسیون قضایی مجلس آن را دارای عناوین مجرمانه و تعیین مجازات می‌داند و تأکید دارد که چنین طرحی الزاماً باید در کمیسیون قضایی بررسی جامع شود. شایان ذکر است پیش‌تر نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۳ دی ۱۳۸۴ قانونی به نام «راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب» در این خصوص تصویب کرده بود. با وجود این، همچنان موضوع حجاب در ایران اسلامی موضوع مشترک همه دستگاه‌هاست و بیشترین مخاطبان آن زنان‌اند. شاید همین موضوع مرتبط با وضع زنان بود که باعث شد در گزارش دوره‌ای [۱]^۳ شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد درباره ایران (آبان ۱۳۹۳/اکتبر ۲۰۱۴)، بالاترین شمار توصیه به جمهوری اسلامی ایران در کنار مسئله اعدام و اقلیت‌ها، درخصوص وضعیت زنان در ایران باشد.

۱. در این خصوص، واکنش مسئولان هم درخور توجه است. مثلاً آیت‌الله صادق آملی لاریجانی، رئیس قوه قضائیه، روز یک‌شنبه (۴ آبان/ ۲۶ اکتبر) در «همایش ملی امر به معروف و نهی از منکر» به برخی رسانه‌ها به دلیل محتوای گزارش‌هایی که درباره اسیدپاشی در اصفهان منتشر کرده‌اند، انتقاد کرد. او گفت اینکه برخی رسانه‌ها موضوع اسیدپاشی را با امر به معروف و نهی از منکر مرتبط دانسته‌اند «ظلم فاحش به نظام و متدینین، معتقدین و متفکرین» است.

۲. گزارش‌ها حاکی از آن است که تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، که به «جبهه پایداری» نزدیک‌اند، طرحی با عنوان «صیانت از حریم عفاف و حجاب» را به هیئت‌رئیس مجلس تحویل داده‌اند. هنوز «طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» در «بهارستان» به تصویب نهایی نرسیده، نمایندگان نزدیک به «جبهه پایداری»، طرح «صیانت از حریم عفاف و حجاب» را روانه «هیئت‌رئیس» مجلس کرده‌اند، طرحی که سخنگوی کمیسیون قضایی مجلس آن را دارای عناوین مجرمانه و تعیین مجازات می‌داند و تأکید دارد که چنین طرحی الزاماً باید در کمیسیون قضایی بررسی جامع شود. در بخش‌های مختلف طرح، مجرمان به پرداخت جرایم نقدی ملزم شده‌اند و طراحان پیشنهاد داده‌اند که منابع مالی به‌دست‌آمده از اجرای این طرح تقدیم نیروی انتظامی شود تا در نهایت صرف برنامه‌های آموزش و تبلیغ حجاب و عفاف شود.

۳. اجلاس بررسی دوره‌ای جهانی: Review Periodic UPRUniversal

ارتباط حجاب و حکومت در ایران

واقعیت این است که موضوع پوشش از بخش‌های خصوصی زندگی هر فرد است. اما اغلب در عمومی‌ترین شکل بیان می‌شود؛ یعنی پای حقوق شخصی افراد در نظام‌های سیاسی خاص به حقوق عمومی باز می‌شود و دولت خود را مسئول لباس و سبک زندگی مردم می‌داند. هرچند حق بر تمامیت بدن و حق بر پوشش، به‌منزله دو حق پایه، براساس اسناد حقوق بشر و نیز مکاتب حقوقی، به‌ویژه مکتب حقوق طبیعی، به رسمیت شناخته شده است، همین بخش خصوصی زندگی آدمی در عمل موضوع سیاسی و علنی و در نتیجه عمومی شده است. هر حکومتی، اعم از دینی و غیردینی، به لباس و نوع پوشش شهروندان خود توجه دارد و تلاش می‌کند شهروندان آراسته به هیئت فرهنگ رسمی باشند و بر سبکی زندگی کنند که در تعارض با ارزش‌های رسمی و ایدئولوژی حاکم نباشد. شاید بتوان گفت که حکومت‌های ضد دین یا تماماً طرفدار دین بیش از سایر اشکال حکومت، پوشش شهروندان را به دامن سیاست مملکت پیوند می‌زنند. حکومت پهلوی عصر رضاشاه در ایران یکی از نمونه‌های ضدیت با حجاب بود که در قالب کشف حجاب مطرح شد. رضا شاه در سفرش به ترکیه در سال ۱۳۱۳ به‌شدت تحت تأثیر بی‌حجابی زنان ترکیه قرار گرفته بود. از این‌رو، در آذر ۱۳۱۴ نظر خود را پس از یک سال در سخنی با محمود جم، رئیس‌الوزرا، چنین بازگو کرد:

نزدیک دو سال است که این موضوع سخت فکر مرا به خود مشغول داشته است، خصوصاً از وقتی که به ترکیه رفتم و زن‌های آن‌ها را دیدم که «پیچه» و «حجاب» را دور انداخته و دوش‌به‌دوش مردهایشان در کارهای مملکت به آن‌ها کمک می‌کنند، دیگر از هرچه زن چادری است بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقی و پیشرفت مردم است. درست حکم یک دمل را پیدا کرده که باید با احتیاط به آن بیشتر زد و از بینش برد [۳۷].

بنابراین، رضا شاه در ۱۷ دی ۱۳۱۴، قانونی تصویب کرد که بنابر آن، زنان و دختران ایرانی از استفاده از چادر، روبنده و روسری منع شدند. جالب آن است که حجاب و پوشش به‌منزله عاملی برای بحث‌های اخلاق عمومی در جامعه مطرح می‌شد و زنان و مردان و طرفداران حجاب و مخالفان آن هریک سبب انحطاط اخلاقی را به نوعی با تکیه بر قبض و بسط حجاب، به دیگری نسبت می‌دادند؛ مثلاً، نشریه *عالم نسوان* [۲۹] در سال ۱۳۱۰ شمسی بحثی درباره

۱. این مجله با ماهیتی مبتنی بر آموزه‌های مسیحی وابسته به مدرسه دخترانه آمریکایی در تهران (American Tehran in compound missionary Presbyterian the in Girls for School) بود که مسیونرهای آمریکایی کلیسای پرسبیتری آن را اداره می‌کردند. این مدرسه نخستین مدرسه دخترانه در تهران تلقی می‌شود که در سال ۱۲۵۳ شمسی پس از مدرسه دختران ارومیه (۱۲۱۷) در عصر قاجار تأسیس شد. از این‌رو، مجله *عالم نسوان* نیز متأثر از این اندیشه به چاپ مطالبی در تقبیح ازدواج زود هنگام دختران، نبود حقوق سیاسی زن در ایران و حجاب می‌پرداخت. به‌خصوص در سال‌های آخر، دست به انتقادهای تندی از شرایط بد زنان می‌زد. پس از آنکه کشف حجاب از سوی رضا شاه اعلام شد، چاپ این مجله متوقف شد. توقف

حجاب مطرح و فراخوانی برای آن چاپ کرد. پاسخ‌های موافق و مخالف زیادی ارائه شد. در مجموع، زنان از بی‌حجابی بسیار دفاع کردند و انحطاط اخلاقی جامعه را سرکوب زنان از سوی مردان دانستند [۲۹].

در دوران معاصر هم مدلی از کشف حجاب، نه حذف حجاب، در جامعه فرانسۀ معاصر مشاهده می‌شود. حکومت لائیک فرانسه، چه دولتش چپ باشد و چه راست، با موضوع حجاب اسلامی کار دارد و دولت‌مردان با آن درگیرند و همواره با آن سروکار دارند [۱].^۱ انقلاب اسلامی ایران با وصف اسلامی خود نمی‌تواند به پوشش بی‌تفاوت باشد و هرچند هم مدتی را در اوایل تأسیس خود تحمل کند [۲۵]،^۲ طی استقرار خود باید حتماً موضعش را در برابر شهروندان با پوشش‌های متفاوت مشخص کند. حجاب و حکومت موضوع جهان پست‌مدرن است. در دولت‌های عصر مدرن و حتی عصر کلاسیک چنین حساسیتی وجود نداشته است. حجاب در دو حکومت ایران و فرانسه، برای نمونه، به مهره‌های شطرنج یک بازی سیاسی تبدیل شده است. آیا می‌توان روزی نوع و شکل پوشش شهروندان را از اوامر قانونی حکمرانان آنان نجات داد؟

پاسخ عملاً منفی است. شاید هیچ موضوعی به اندازه حجاب حاکمان دو کشور لائیک و تئوکراتیک ایران و فرانسه را به تحدی نطلبیده است. موضوع پوشش و لباس شرعی اسلامی، یعنی حجاب، چنان در این دو نظام پیش رفته که عملاً قبول یا رد آن منوط به قرائتی جدید از

انتشار این مجله را بی‌ارتباط به صراحت لهجه آن ندانسته‌اند. از دلایلی که برای عمر به‌نسبت دراز مجله برشمرده‌اند، وابستگی‌اش به مدرسه دخترانه آمریکایی در تهران در زمان فعالیتش است.

۱. استفاده از نمادهای آشکار مذهبی، همچون حجاب اسلامی، هم‌اکنون در مدارس دولتی فرانسه ممنوع است و استفاده از برقع و نقاب، که کل صورت را می‌پوشاند، در اماکن عمومی قدغن است. ممنوعیت پوشیدن روسری از سپتامبر ۲۰۰۴ در مدارس فرانسه به اجرا درآمد و در سال ۲۰۱۱ بود که استفاده از نقاب و برقع در اماکن عمومی ممنوع اعلام شد.

۲. اینکه مسئولان نظام دوره بی‌حجابی اوایل انقلاب را تحمل کردند و قصد آنان از ابتدا اجبار بوده است، نمی‌تواند لزوماً صحت داشته باشد، زیرا بیانات مسئولان آن دوره نشان می‌دهد که رویکرد اقتناعی معیار بوده و نه لزوماً اجباری. مثلاً آیت‌الله طالقانی در جریان یکی از خطبه‌های نماز جمعه تهران، در این خصوص ابراز کرد: «اسلام، قرآن و مراجع دینی می‌خواهند زنان ما شخصیتشان حفظ شود. اصل قضیه این است و اجباری هم در کار نیست.» حضرت امام (ره) یک روز بعد از آن فرمودند: «نظر آقای طالقانی مورد تأیید من و صحیح است.» حجت‌الاسلام ناطق نوری در مصاحبه‌ای که در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۲۱ با روزنامه اطلاعات انجام دادند، اظهار کردند: «امام مکرراً به من توصیه می‌کردند که با تندروی‌هایی که نسبت به مسئله حجاب صورت می‌گیرد برخورد کنم و نظر ایشان را پیگیری کنم.» همچنین، مرحوم شهید بهشتی در این باره می‌گوید: «ما معتقدیم پوشش خواهران ما باید پوششی باشد که با کرامت آن‌ها سازگار باشد. ما در قلمرو و مسئولیت خودمان در قوه قضائیه از خواهرانمان خواسته‌ایم که خودشان این کار و این پوشش را عملی کنند؛ اما اگر کسی چنین نکرد، ما چه می‌کنیم؟ باید بگویم روش من در زندگی این بوده که با کلیه اشخاص هر گروه به بحث اقتناعی پرداخته‌ام.»

قانون اساسی و مشروعیت نظام سیاسی است. جالب‌تر آنکه از منظر حقوق بشر، هر دو حکومت محکوم به سلب آزادی‌های فردی و سد حقوق شخصی افراد در حوزه عمومی شده‌اند و از سوی دیگر هر دو در مقام تبیین ایدئولوژی حاکم با هم‌کیشان تساهل‌گرای خود بر سر قرائت درست از سیاست مطلوب سر نزاع دارند. بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ جنگ لفظی بین امریکا و فرانسه باعث شد قرائت فرانسوی از لائیسیته و سکولاریسم به‌شدت مورد انتقاد دولت‌مردان امریکایی و انگلیسی قرار گیرد و در این بین البته قانون ۱۵ مارس ۲۰۰۴ فرانسه درخصوص منع نماد و نشانه‌های مذهبی در مدارس فرانسه موضوع جدال بود. در مورد جمهوری اسلامی ایران هم بحث اجبار حجاب کم‌وبیش از سوی سایر دول مسلمان مورد تأمل و تردید واقع شده است، زیرا چنین رویکردی عملاً در هیچ کشور اسلامی به‌منزله قانون اجباری و دائمی اعمال نشده است. موضع ایران و فرانسه در برخورد با حجاب، به‌رغم جبهه کاملاً متفاوت، بسیار شبیه است، زیرا هر دو در تلاش‌اند موضوع حجاب را نه حقوق بشری بدانند و نه آن را موضوع ارزیابی خارجی قرار دهند. بلکه هر دو حکومت با تأکید بر داخلی‌بودن موضوع، علاقه‌مندند فقط آن را ذیل موضوع حقوق شهروندی و مسئله داخلی و ملی ارزیابی کنند و تذکرات دیگران را به نوعی مداخله در امور داخلی و فرهنگی خویش بنامند. در این خصوص، البته درس‌گیری از تجربه فرانسه برای دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند ارزنده باشد.

نتیجه آنکه تا زمانی که پوشش شهروندان با حکومت و مشروعیت سیاسی آن پیوند خورده است، همواره مسئله حجاب مطرح است. در اینجا بیشتر از آنکه حجاب موضوع حق باشد، موضوع تکلیف است.^۱ به این معنا که اصل قانونی‌بودن تنها ادله قابل اعمال در مسئله حجاب در ایران معاصر است. بنابراین، در این میان فقط بحث شکل برخورد قانونی با قانون‌شکنان می‌تواند موضوع ارزیابی منطقی و حقوقی باشد.

مبانی نظری حجاب و سیاست‌های حکومتی

یکی از موضوعات مهم در زمینه حجاب در ایران میزان مستندبودن رویه جاری قانون‌مندی پوشش دینی به سنت و سیره نبوی است. از شبهات اساسی قشر دینی منتقد اجبار قانونی حجاب در ایران فقدان توضیح اساسی درخصوص وضعیت زنان در عصر نبوی و علوی و نیز سبک زندگی معصومان(ع) است. جمهوری اسلامی ایران به استناد شریعت باید زمینه نظری اجبار قانونی را توضیح دهد و برای الزام همگانی آن محمل دینی تدارک ببیند. مجموعه

۱. یکی از برداشتها در حقوق فردی آن است که رعایت حجاب برای زن مسلمان یک حق است، نه یک تکلیف. در نتیجه، زن مسلمان به‌مثابه حق فردی می‌تواند از این حق خودش استفاده نکند یا نکند و به تبع آن، زنان غیرمسلمانان هم چنین وضعی دارند. اما در وضع جمعی موضوع حق یا تکلیف فردی نیست، بلکه امر جمعی معیار است.

سه‌جلدی *گفتارها و نوشتارهای حجاب*، که در پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسید، تا حدودی توانسته ادلهٔ توضیحی دینی را فراهم کند [۱۴]. اما عمومی و همگانی شدن نوشته‌های کتب بدون هماهنگی در سطح آموزش‌های رسمی ناتمام خواهد بود. اینکه براساس شریعت اسلامی با تأسیس حکومت دینی تا چه میزان می‌توان الزام به حجاب را حتی در مورد اقلیت‌های غیرمسلمان مورد اجبار و الزام قانونی قرار داد، امروزه به یک موضوع حقوق بشری تبدیل شده است. در مجموعهٔ پاسخ‌هایی که تاکنون در کتب مربوط به حجاب آمده است و مسئولان و محققان بدان پرداخته‌اند، سه دسته قابل تمییز است:

۱. ادلهٔ حقوقی-سیاسی

بررسی ادلهٔ حقوقی-سیاسی: حجاب به دلیل قانونی، و نه لزوماً شرعی، موضوع الزام و اجبار قانونی قرار گرفته است و با توجه به رأی اکثریت در انتخاب حکومت اسلامی رعایت ارزش‌های غالب و همگانی کردن آن جزء حقوق عمومی تلقی می‌شود. بنابراین، اجبار قانونی حجاب، ولو مستند و محمل دینی هم نداشته باشد، بنیان دمکراتیک مبتنی بر حاکمیت قانون را داراست. مشکل این استدلال آن است که به دلیل معیار قرار گرفتن خواست دمکراتیک اکثریت و محور شدن منافع و حقوق عمومی می‌تواند به‌منزلهٔ مناط دوگانه تلقی شود، زیرا این همان شمشیر دو‌دمی است که دولت لائیک فرانسه هم برای منع حجاب از آن استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، قانونی نشان دادن الزام حجاب یا منع حجاب هر دو از استناد به ارادهٔ عمومی قابل برداشت است. از این‌رو، قانون در اینجا می‌تواند سیال باشد، زیرا شاید در دوره‌ای از زمان ذائقهٔ مردم عوض شود و دیگر الزام به داشتن یا نداشتن را تعویض کند و ارادهٔ عمومی بر معکوس آن تعلق گیرد. در چنین وضعیتی، حاکمان باید به خواست اکثریت ملت احترام بگذارند و در میانی الزام به حجاب داشتن یا الزام به حجاب برداشتن تجدید نظر کنند. براساس این معیار، دولت به‌عنوان نماد عقل عامه منافع حقوق عمومی است و چون اکثریت چنین می‌خواهند، او باید به فرمانشان احترام بگذارد. اگر جمهوری اسلامی از این استدلال دفاع کند، دیر یا زود باید منتظر تحول در خواست عمومی باشد، زیرا بعضاً طبق آمارهای استقرایی عام، افراد باحجاب هم لزوماً از الزام حجاب دفاع نمی‌کنند. در این نگاه، حجاب به دلیل حقوقی موضع جبر قانونی شده است.

۲. ادلهٔ جامعه‌شناسی-فرهنگی

بررسی ادلهٔ جامعه‌شناسی-فرهنگی: حجاب به دلیل فرهنگی موضوع الزام قانونی قرار گرفته است و نه الزام شرعی. به این معنا که عرف جامعه به دلیل نیکودانستن سنت حجاب، که به صورت تاریخی در فرهنگ ایرانی بوده است، از آن دفاع می‌کند و به دلیل جامعه‌شناختی و

با در نظر گرفتن لزوم احترام به سنن و عادات و آداب ایرانی در حوزه فرهنگ بومی، حجاب موضوع الزام قانونی شده است. در این نگاه، تلاش شده حجاب از منظر فرهنگی و تاریخی نگریسته شود و با استناد به تبار تاریخی جامعه الزام قانونی فعلی مشروع قلمداد شود. در اینجا هم تیغ دودم حاضر است؛ به این معنا که دقیقاً به استناد فرهنگی بودن لائیسیته در فرانسه و فرهنگی بودن حجاب در اسلام، دولت فرانسه منع حجاب را قانونی مشروع می‌داند، زیرا گذر از جامعه‌ای به جامعه دیگر مشروط به قبول فرهنگ میزبان است و فرهنگ مهمان نمی‌تواند در تعارض با فرهنگ میزبان باشد، مثلاً شهروندان مسلمان جامعه فرانسه رعایت حجاب را باید به نوعی توهین و دهن‌کجی به فرهنگ غالب بدانند. در این مقام، طبیعتاً حق از آن فرهنگ غالب است و نوعی جامعه‌پذیری ایجاب می‌کند افراد مهاجر و مهمان همواره مطیع فرهنگ غالب باشند و از تولید خرده‌فرهنگ یا فرهنگ معارض خودداری کنند. موضوع مهم‌تر در این تفسیر آن است که به دلیل فرهنگی شمرده شدن حجاب، امکان انتزاع فردی آن وجود دارد و چون جبر شرعی به‌منزله تکلیف دینی برای مسلمان و مکلف نیست، الزام بر برداشتن حجاب نمی‌تواند مخالف حقوق انسانی شهروندان قلمداد شود. در اینجا، موضوع فرهنگی بودن حقوق شهروندی و ذاتی بودن حقوق بشری مطرح است که به تفصیل در برخی کتب در ذیل فلسفه حقوق بشری حجاب توضیح داده شده است [۱۷]. هر امر فرهنگی به این سبب، اعتباری و نسبیت‌پذیر و در نتیجه قابل تغییر است و حجاب براساس این تفسیر می‌تواند هر چند امر ذاتی انسان‌ها نباشد، به دلیل فرهنگی موضوع الزام قانونی قرار گیرد. بنابراین، طبق این تفسیر نیز حجاب در ایران می‌تواند الزامی باشد. به دلیل سابقه تاریخی و فرهنگی آن البته کماکان امکان برداشت محدوده زمانی و مکانی الزام قانونی هم به نسبت عمر فرهنگی متصور است.

۳. ادله اسلامی- انسانی

بررسی ادله اسلامی- انسانی: شاید فقط در یک مورد است که می‌توان حجاب را به‌منزله اصلی الزام‌آور و فراگیر تعریف کرد و آن ادله دینی اسلام است. در این خصوص هم پلکانی بودن معیار بوده است تا با استفاده از خمار^۱ یا جلباب^۲ به تدریج سبکی مشروع از پوشش رعایت شود. از این‌رو، عملاً تا سال پنجم هجرت درباره حجاب هیچ آیه‌ای نازل نشده بود. بعد از آن، در پنج مرحله، آیات مربوط به حجاب در قرآن نازل شد. به‌عبارتی، سیزده سال در مکه و پنج سال در

۱. خمار: (ولیزربن بخمر هن علی جیوبهن) «زنان باید سر سینه و دوش خود را با مقنعه بپوشانند.» (نور/ ۳۱).
خمر در آیه شریفه جمع خمار و مراد از آن پوشش مخصوص سر و اطراف سر بانوان است که به آن مقنعه گفته می‌شود.

۲. جلباب: «یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المومنین یدنین علیهن من جلابیبهن» (ای پیامبر به زنان و دخترانت بگو که چادرهایشان را به دور خود گیرند.) (احزاب/ ۵۹)

مدینه هیچ آیه‌ای دربارهٔ سفارش به حجاب نازل نشده بود. فقط در اواخر سال پنجم، یعنی هجده سال بعد از نزول قرآن، آیات حجاب به‌طور تدریجی نازل شدند.^۱

ادلهٔ قبلی هریک به نوعی نسبیت و توقیت در اجبار حجاب را به‌منزلهٔ قانون جبری لحاظ می‌کردند و نه ثبات و دائمی بودن آن در شرایط جمعی و فردی را، زیرا به دلیل فرهنگی و جامعه‌شناختی حجاب نمی‌تواند اصل ثابتی از اول تأسیس شریعت تاکنون به‌صورت علی‌الدوام قانونی جبری تلقی شود و نیز به دلیل سیاسی و حقوقی هم الزام موقت براساس زمان و مکان قابل پیش‌بینی است. یکی از استدلال‌های موفق در ادلهٔ منع حجاب در فرانسه، فرهنگی نشان دادن مسئلهٔ حجاب بوده و است. فرهنگی بودن باعث می‌شود آیات قرآن کریم دربارهٔ حجاب موقت و خاص جامعهٔ عربی ابتدای اسلام تعریف و چنین قلمداد شود که با تغییر فرهنگ و توسعهٔ جامعهٔ اسلامی منطقیاً فرهنگ حجاب عربی کنار می‌رود و فرهنگ‌های دیگر می‌توانند بدون الزام شرعی و بلکه صرفاً به اقتضای عرف به رعایت حجاب بپردازند. این استدلال، چنان‌که دیدیم، هرچند بر تفسیر آیات قرآن کریم مبتنی باشد، نسبیت‌پذیر بودن حجاب را به‌ارمغان می‌آورد. سیاسی-حقوقی کردن مسئلهٔ حجاب هم باعث حرکت بر وفق قدرت فائده‌را ییادآور می‌شود تا پیرو ارادهٔ عمومی دولت بتواند بر قبض و بسط قانون حجاب رخصت یابد. حال آنکه در تلقی دینی از حجاب براساس ادلهٔ شرعی می‌توان به این استدلال پایبند بود که حجاب امر دینی منطبق بر قرآن و سنت بوده و الزام فردی آن براساس احکام دینی محرز است^۲ و آیات

۱. شأن نزول این آیات این‌گونه بود که همسران پیامبر، که تردد می‌کردند و شناخته نمی‌شدند، بعضاً مورد کم‌توجهی واقع می‌شدند. در آن دوره نیز طبیعتاً در جامعهٔ مدینه مانند هر جامعه‌ای، جوانان یا افراد لایبالی، بعضاً نسبت به کنیزان تعرض و بی‌احترامی می‌کردند و اگر کسی به آن‌ها خرده می‌گرفت که چرا شما به آن زن آزاد بی‌احترامی کردید؟ پاسخ می‌دادند که: ما فکر می‌کردیم او کنیز است. از این‌روست که این آیه نازل شد که «یا ایها النبی قل لآزواجک وبناتک وبنات المؤمنین یدنین علیهن من جلبابهن ذلک اذنی ان یعرفن فلا یؤذین وکان اللہ عفوراً رحیماً» (ای پیامبر، به همسران و دختران و بنات مؤمنین بگو که باجلباب خودشان را بیوشانند تا شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند). تا به این ترتیب شناخته شوند که این‌ها زنان آزاد یا دختران پیامبر یا زنان مؤمنین هستند و کنیز نیستند تا کسی به آن‌ها بی‌احترامی نکند. درواقع، حجاب وضع شد تا این پدیده اتفاق نیفتد.

۲. «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا یُبْدِیْنَ زینَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَیْضُرْنَ بِخُمْرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ وَلَا یُبْدِیْنَ زینَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَکَتْ أیمانَهُنَّ أَوْ التَّابِعِینَ غَیْرَ أُولِی الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الذِّیْنَ لَمْ یَظْهَرُوا عَلَی عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لَیَعْلَمَ مَا یَخْفِیْنَ مِنَ زینَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِیعاً أیها الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (النور ۳۱) و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را- جز آن مقدار که نمایان است- آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینهٔ خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدرانانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیشانشان، یا بردگانشان [=کنیزانشان]، یا افراد سفیه که

قرآنی به مثابه تعهد فردی شرعی بر آن تصریح دارد.^۱ از این رو، در جایی که در اصل دین اجباری نیست، در اجبار حکمی از آن مثل حجاب برای اقلیت‌های دینی نمی‌تواند مستند شرعی مبتنی بر حقوق فردی داشته باشد.^۲

در نتیجه، باید گفت تنها بحث در الزام در وضعیت جمعی حجاب است که شرایطی فرافردی است. به این معنا که باید پرسید آیا حجاب در یک حکومت دینی جزء احکامی است که دولت اسلامی ملزم به رعایت عمومی آن باشد؟

به دیگر سخن، می‌توان گفت که مثلاً هر چند شرب خمر در شریعت مقدس اسلامی حکمی فردی است و به واسطه آن فرد گناهکار تلقی می‌شود [۱]^۳، به همین موازات برای متخلف مجازاتی نیز پیش‌بینی شده است. حد شرب خمر با رعایت شرایط دادرسی عادلانه، ۸۰ ضربه شلاق است یا حکم زنا [۱]^۴ قذف [۱]^۵ لواط و سرقت و ارتداد و امثال آن مستخرجه از

تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد). و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید!

۱. «یا ایها النبی قل لزوجک وبناتک ونساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک اذتی ان یعرفن فلا یؤذین وکان الله غفوراً رحیمًا» (الأحزاب: ۵۹): ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: «جلباب‌ها = روسری‌های بلند! خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است.

۲. هرگاه فردی به شکل ارادی دین اسلام را پذیرفت، باید به قواعد و اصول آن نیز پایبند باشد، اما اجبار به مسلمان شدن وجود ندارد. نمونه‌های قرآنی در این باره کم نیستند. در آیه ۲۵۶ سوره بقره آمده است: «لااکراه فی الدین». در آیه ۹۹ سوره یونس آمده است که: «ولو شاء ربک لآمن من فی الارض کلهم جمیعاً». (اگر خدا می‌خواست، همه مؤمن می‌شدند؛ اما خدا این را نمی‌خواست). در ادامه آن این گونه آمده که: «اقانت تکره الناس حتی یکنوا مؤمنین» (پیامبر آیا می‌خواهی مردم را با کراهت مؤمن بکنی). همچنین آیه ۳ سوره دهر یا انسان: «انما هدیناه السبیل اماً شاکراً و اماً کفوراً» (ما انسان را هدایت کردیم و راه درست را نشان دادیم چه در درون از طریق وجدان و فطرت و چه از بیرون توسط پیامبران).

۳. «یسألونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما اکبر من نفعهما و یسألونک ماذا ینفقون قل العفو کذلک ینبئ الله لکم الایات لعلکم تتفکرون» (البقره، ۲۱۹): درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: «در آن‌ها گناه و زیان بزرگی است و منافی (از نظر مادی) برای مردم دربردارد، (ولی) گناه آن‌ها از نفعشان بیشتر است. و از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از مازاد نیازمندی خود». این چنین خداوند آیات را برای شما روشن می‌سازد، شاید اندیشه کنید!

۴. «لرأینة والرأینة فالجلدوا کل واحد منهما مئة جلدة ولا تأخذکم بهما رافة فی دین الله ان کنتم تؤمنون بالله والیوم الآخر ولیشهدا عذابهما طائفة من المؤمنین» (النور، ۲): هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود. اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند!

۵. «والذین یرمون المحصنات ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدة ولا تقبلوا لهم شهادة أبداً وأولئک هم الفاسقون» (النور، ۴): و کسانی که آنان پاک‌دامن را متهم می‌کنند، سپس چهار شاهد (بر مدعی خود) نمی‌آورند، آن‌ها را هشتاد تازیانه بزنید و شاهدشان را هرگز نپذیرید و آن‌ها همان فاسقان‌اند!

کتاب و سنت محرز است، اما برای برخی امور که جزء احکام و تکالیف شرعی فردی است، برای مرتکب علنی آن مجازاتی مبتنی بر نص پیش‌بینی نشده است. حجاب یکی از آن موارد است. در اینجا نقش حاکم شرع و دولت اسلامی در قالب تعزیرات مهم جلوه می‌کند. در جایی که بین فقها در اصل اجرای حدود در عصر غیبت اختلاف است [۱]، در مورد اجرای مجازات برای سایر تخلفات شرعی مسلمین باید بسیار بااحتیاط عمل کرد. بنابراین، مواردی چند به‌منزله اصل قابل احصاست:

- اصل اولیه آن است که هیچ‌یک از تخلفات شرعی فردی مسلمان نباید تجسس شود [۱]؛^۲
- اصل دوم آن است که فقط تخلف عمدی اموری از احکام شرعی مستحق مجازات عمومی می‌شود که برخلاف عفت همگانی و اخلاق انسانی بوده و در علن (...بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ) انجام شود [۱]؛^۳

۱. در رأس مخالفان اقامه حدود در زمان غیبت، قطع نظر از متقدمان نظیر ابن زهره و ابن ادریس حلی دو فقیه کبیر هفتم و هشتم، محقق و علامه حلی قرار گرفته‌اند. محقق حلی، فقیه نامدار قرن هفتم هجری، در کتاب شرایع قاطعانه می‌گوید: «لا يجوز لاحد اقامة الحدود الا الامام عليه السلام في وجوده او من نصبه لا قامتها». از میان فقیهان قرن معاصر، فقیه نامدار شیعه، مرحوم آیت‌الله حاج سید احمد خوانساری طاب ثراه، اختصاص اقامه حدود را به امام معصوم اقوی و بنابراین در زمان غیبت امام معصوم (ع) اجرای حدود را مجاز نمی‌داند. صاحب جواهر در رأس موافقین قرار دارد و معتقد است که مشهور امامیه بر آن‌اند که اشخاص واجد شرایط عدالت و اجتهاد سطح بالا، یعنی در حد داشتن توان استنباط فروع از منابع اولیه، می‌توانند در زمان غیبت بر افراد مرتکب جرایم حدی، حدود شرعیه را اجرا کنند. از فقهای نامدار معاصر امام خمینی (ره) در *تحریر الوسیله* و آیت‌الله حاج سید ابوالقاسم خویی در *تکملة المنهاج* قول به جواز اجرای حدود در زمان غیبت دارند.

۲. «يا أيها الذين آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن إن بعض الظن إثمٌ ولما تجسسوا ولما يغتّب بغضكم بغضاً أوجب أخذكم أن يأكل لحم أخيه ميتاً فكرهتموه واتقوا الله إن الله توابٌ رحيمٌ» (الحجرات، ۱۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چراکه بعضی از گمان‌ها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید؛ و هیچ‌یک از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به‌یقین) همه شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است!

۳. مثلاً در مورد زنا هم این صراحت وجود دارد و اساساً مجموعه مجازات‌های اسلامی چنین ویژگی‌های علنی باید داشته باشد یا به علن منجر شود تا قابل مجازات باشد:

«يا نساء النبي من يأت منكن بفاحشة مبينة يضاعف لها العذاب ضعفين وكان ذلك على الله يسيراً» (الأحزاب، ۳۰)
 «يا أيها النبي إذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن وأحصوا العدة واتقوا الله ربكم لا تخرجنهن من بيوتهن ولما يخرجن إلا أن يأتين بفاحشة مبينة وتلك حدود الله ومن يتعد حدود الله فقد ظلم نفسه لا تدرى لعل الله يحدت بعد ذلك أمراً» (الطلاق، ۱)

«يا أيها الذين آمنوا لا يجمل لكم أن تروا النساء كرها ولا تغضوهن لتذهبن ما أتيتنهنن إلا أن يأتين

- اصل سوم آن است که مرتکب عالمانه و عامدانه با برخورداری کامل از بلوغ عقلی و شرعی به انجام عمل مجرمانه بپردازد؛
- اصل نهمی آنکه، عاصی و عامل عامد از عمل ناثواب و کرده مجرمانه خود نادم نشود.

بر این اساس، فلسفه مجازات اسلامی بیشتر به هتک علنی حرمت احکام شرعی در جامعه باز می‌گردد. در صورت وجود مجموعه علل قبلی، حاکم شرع احکام و حدود اسلامی را اجرا می‌کند، اما سخن اینجاست که حجاب حکمی مضبوط و توقیفی چون حدود ندارد تا برای آن الزامی آورده شود و برای هتاک علنی آن حکمی کیفری یا حقوقی صادر شود. بنابراین، چهار نکته در این خصوص قابل بررسی است:

- نکته اول در جواز جرم‌انگاری هتک علنی حجاب است؛
- نکته دوم در نوع مجازات است؛
- نکته سوم وجود رویه‌ای از سیره و سنت معصومین (ع) دال بر جواز اجرای چنین الزامی در شکل قانون از سوی حاکم اسلامی است؛
- نکته چهارم در امکان تعمیم مجازات به غیر مسلمان است.

شاید در قالب تعزیرات بتوان مجازات‌هایی را ذیل نظر حاکم شرع برای خاطی مسلمان جایز شمرد؛ با این حال، تعمیم این مجازات به غیرمسلمان مبتنی بر ادله شرعی همواره جای تأمل دارد. مهم‌تر آنکه عمده تقاضای حجاب برای مؤمنان است و مسلمانان یعنی اسلام‌آوردگانی که هنوز به قدری مؤمن نشده‌اند تا ایمان در قلوبشان داخل شود،^۱ مخاطب اصلی آیات حجاب نیستند.^۲ بنابراین، فقط در صورت استخراج مناطی شرعی از اصل الزام غیرمسلمان به رعایت حجاب مسلمان و نیز استخراج رویه‌ای از کتاب و سنت است که می‌توان حکم به دائمی بودن

۱. «فَاحِشَةُ مُبَيَّنَةٌ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (النساء/ ۱۹). ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آن‌ها) ارث ببرید! و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آن‌ها داده‌اید (از مهر) تملک کنید! مگر اینکه آن‌ها عمل زشت آشکاری انجام دهند و با آنان به‌طور شایسته رفتار کنید! و اگر از آن‌ها (به جهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد!

۲. «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَأَنْتُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (الحجرات/ ۱۴)

۱. احکام حجاب هم عموماً از این چارچوب تبعیت می‌کنند. مثلاً، در یکی از آیات آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكُمُ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ» (ای پیامبر به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو) و در جای دیگر نیز آمده: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغُضُّنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...»، در واقع می‌توان گفت شاید در اینجا مؤمنین و مؤمنات واقعی مورد خطاب قرآن هستند، نه کسانی که فقط اسلام آورده‌اند، اما هنوز مؤمن نیستند.

حجاب در فرای زمان و مکان و نیز جدا از وضعیت فردی و جمعی در علن و آشکار داد. در غیر این صورت، باید همواره الزام حجاب برای شهروندان جامعه اسلامی با ادله قانونی تفسیر شود و نه لزوماً شرعی. در این صورت، سیالیت در حکم، طبیعی خواهد بود؛ سیالیت چه در اصل اجرای حکم و چه در نوع مجازات و لذا حتی کم‌وکیف یا جواز و توقف آن. از سوی دیگر، ادله انسانی مبتنی بر استدلال مکاتب حقوقی فطری و مکتب طبیعی هم چنین الزامی را در حد معقول، برای پوشش فردی می‌تواند توجیه کند. این توجیه البته نمی‌تواند حدود حجاب را در شکل شرعی و نه در حدود ثغور آن در کم‌وکیف مجازات جمعی در برگیرد.

اقتصاد حجاب و سیاست‌های حکومتی

افزایش ثروت و نبود درآمد، هر دو، به‌منزله محرکی بر مسئله حجاب تلقی می‌شوند. در این میان، مشکل فردی و جمعی قابل تفکیک است؛ همان‌گونه که هزینه فردی با سود کلان نهادی باید مستقلاً بررسی شود. مسئله حجاب یا بدحجاب ابعاد پنهان دیگری در جامعه ایرانی معاصر دارد که خواسته یا ناخواسته به آن بی‌توجهی می‌شود. اقتصاد حجاب یکی از موضوعات مهم ناظر به بحث حقوق زنان در جامعه ایران معاصر است. این حق بیش از آنکه حق زنان به صورت عام باشد، حق زنانی است که الزام به حجاب را با طوع و رغبت پذیرفته‌اند و پوشش متکثر برای خود دارند. به این معنا که ناچارند حجاب مختلف داشته باشند؛ چون برای بیرون از منزل قصد دارند حدود را کاملاً رعایت کنند. این زنان اکنون با مسئله هزینه‌بر بودن پوشش کامل از منظر مادی روبه‌رو هستند. در این میان نیز، یکی از موضوعات مهم سود حاصله از تجاری‌سازی حجاب و پوشش اسلامی در ایران است. به این معنا که یکی از بخش‌های الزام حجاب در قسمت توسعه بالادستی صنعت حجاب است. این صنعت اعم از واردات پارچه و پوشاک مرتبط و نیز تولید متناسب داخلی آن یا حتی قاچاق است. بخش پایین‌دستی آن ناظر به مصرف‌کنندگان حجاب در ایران است. یعنی خانم‌ها باید بالاجبار نمونه‌های تأییدی را بخرند.

هنوز، بعد از نزدیک به نیم قرن پس از انقلاب، موضوع صنعت خودکفا در تولید حجاب ملی و از جمله چادر بحران است. واردات در کمیت و کیفیت متفاوت فقط توانسته هزینه شهروندان را افزایش دهد. درحالی‌که به‌عنوان یک اصل در جامعه‌ای دینی باید هزینه دینداری کاهش یابد و بالعکس هزینه بی‌دینی افزایش یابد. باز در مقایسه‌ای زیبا هزینه‌بر بودن زیست اجتماعی مسلمان در جامعه فرانسه مثال خوبی است. در آن جامعه، اساساً یک زندگی اسلامی هزینه مادی بیشتری از یک سبک زندگی لایبیک بر فرد مسلمان تحمیل می‌کند. در ایران اسلامی، خلاف ارزش‌های تبلیغی و رسمی هنوز افراد متدین هستند که بیشترین هزینه را برای دینداری و سبک زندگی متعارف آن می‌پردازند. هزینه‌ساز بودن بدحجابی یا بی‌حجابی به

اقدامات قضایی و کیفری نیست، بلکه این نوع اقدامات باید آخرین حربه باشد. در جمهوری اسلامی ایران، متأسفانه، همواره از حربه آخرین شروع کرده‌ایم. درواقع، بسیاری از راهکارهای سلب امنیتی و ایجاد جرایم به‌مثابه نشانی غلط به خود دادن است، زیرا موضوع اقتصاد حجاب در دو بخش کلان و خرد مطرح است. بخش کلان سوده‌های ناظر به اجبار است و بخش خرد آن هزینه‌های تحمیلی بر باحجابان. در این بین، توجه صرف به بخش اخیر آن هم افراد بی‌حجاب یا بدحجاب را باید به نوعی غفلت از اصل موضوع اقتصاد حجاب دانست.

برای نمونه، در قرائتی تاریخی می‌توان این موضوع را دید. شاید اوج بدحجابی به عصر سازندگی بعد از جنگ برگردد. آنجا که به تدریج مسئله بی‌حجابی جای خود را به بدحجابی یا شل‌حجابی داد و زمزمه‌های بازسازی مسائل فرهنگی، همچون حجاب، جدی‌تر مطرح شد. در سال ۱۳۶۵، در مصوبه قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملأعام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند، نکات جدیدی به چشم می‌خورد. در ماده ۴ این قانون آمده: کسانی که در انتظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۲ محکوم می‌گردند. ماده ۲، مجازات‌های تعزیری را بدین شرح بیان می‌کند: «۱. تذکر و ارشاد؛ ۲. توبیخ و سرزنش؛ ۳. تهدید؛ ۴. ۱۰ تا ۲۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال برای استفاده‌کننده؛ ۵. ۲۰ تا ۴۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال در مورد استفاده‌کننده. علاوه بر این، در تبصره ۲ این ماده آمده: مجرمی که کارمند است، علاوه بر مجازات‌های فوق‌الذکر، به یکی از مجازات‌های زیر محکوم می‌شود: ۱. انفصال موقت تا دو سال؛ ۲. اخراج و انفصال از خدمات دولتی؛ ۳. محرومیت استخدام به مدت پنج سال در کلیه وزارت‌خانه‌ها و شرکت‌ها و نهادها و ارگان‌های عمومی و دولتی [۳۰].»

با فاصله تقریباً دو دهه، امروزه همین ابتکار جریمه اقتصادی و متأسفانه ایجاد احساس ناامنی در کنار آن به موضوع برنامه طراحی مبارزه با بدحجابی در اوایل سال ۱۳۹۳ تبدیل شد. طراحی سازوکارهای خودکنترلی برای حفظ حجاب در جامعه از طریق: «کاهش امنیت زنان بدحجاب در جامعه» مسیری سخت غلط برای شهروند جامعه اسلامی است، زیرا امنیت اساسی‌ترین حق بشری شهروندان است. به باور اینان، جرم تعرض و مزاحمت به زنان بدحجاب از مزاحمت به زنان محجبه جداس است و درواقع برای ایجاد مزاحمت برای زنان محجبه باید جرم‌های بسیار سنگین‌تری در نظر گرفت و برای زنان بدحجاب و بی‌حجاب به دلیل مشارکت آن زن در ایجاد این جرم، تخفیف و عفو فراهم کرد. یا برای اینکه این قانون مجوزی برای مزاحمت‌ها نباشد، زن بدحجاب که برای وی مزاحمت ایجاد شده نیز باید مجرم شناخته شود و مجازاتی برای وی نیز تعیین شود. با چنین سازوکاری از این به بعد زنان خودشان کنترل‌کننده

نحوه پوشش خود در جامعه خواهند بود [۴۰]. این پیرانتقاداتی طرح از منظر حقوق بشر است، زیرا احساس ناامنی را دامن می‌زند.

آخرین طراحی قانونی در این خصوص طرح جدید «صیانت از حریم عفاف و حجاب» است. در یکی از مواد این طرح، از نیروی انتظامی خواسته شد با به‌کارگیری نیروهای زن آموزش‌دیده در انظار و اماکن عمومی به بانوان فاقد حجاب شرعی تذکر بدهد و زنانی که با پوشش غیرشرعی و نامناسب عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کنند، ابتدا به شرکت در دوره‌های آموزشی و سپس به پرداخت جریمه نقدی از ۲ تا ۱۰ میلیون ریال محکوم کند. در ماده ۱ این طرح هم آمده است: «چنانچه راننده یا سرنشینان وسایل نقلیه اقدام به کشف حجاب، روزه‌خواری، مزاحمت برای نوامیس یا حرکات غیرمعارف خلاف عفت عمومی کنند، باید یک میلیون ریال جریمه شوند و در صورت تکرار، علاوه بر ۱۰ نمره منفی، وسیله نقلیه به مدت ۷۲ ساعت توقیف می‌شود.» طبق ماده ۵ این طرح، اشتغال به کار بانوان در واحدهای صنفی باید با رعایت حرمت آن‌ها و پرهیز از اختلاط با مردان و در ساعات متعارف یعنی ۷ صبح تا ۱۰ شب باشد. رعایت نکردن این ماده تخلف صنفی محسوب می‌شود و واحد صنفی متخلف از طریق نیروی انتظامی به مدت یک هفته و در صورت تکرار به مدت یک ماه تعطیل خواهد شد.

چنین طرح‌هایی عملاً موضوع اقتصاد حجاب را به قشر خاص زنان بدحجاب و اصناف خرده‌پا منحصر کرده است که به فرض کارا بودن، مطمئناً خشن‌ترین گزینه در اجرای قانون حجاب در ایران معاصر است و درعین حال می‌تواند پرنقدترین راهکار از منظر حقوق شهروندی باشد.

حجاب الزامی و سیاست‌های آموزش همگانی

باید با این نظر خانم هلن واتسن کاملاً موافق بود که می‌گوید: «هیچ نوع لباسی تاکنون به اندازه حجاب، که زنان مسلمان از آن استفاده می‌کنند، اندیشمندان را به موضع‌گیری و انداخته است» [۶]. این دغدغه، فراتر از یک دولت دینی و غیردینی، به بحث‌های جهانی در حوزه حقوق بشر هم منجر شده است. با وجود این، روش‌های کشورهای طرفدار و مخالف حجاب به یک اندازه اعتبار حقوقی ندارند [۱]؛ هرچند اغلب دولت‌های اسلامی [۱] برای متخلفان مسلمان در موضوع بدحجابی یا حتی بی‌حجابی مجازاتی رسمی و

۱. برای نمونه می‌توان به بحث‌های سیاسی و فرهنگی زیر اشاره کرد که حجاب را نوعی تسلیم ظالمانه و در نتیجه ضد حقوق بشری دانسته‌اند:

Les Chiennes de Garde : "C'est le symbole d'une oppression des femmes, d'une diabolisation du corps et de la sexualité des femmes" (communiqué du 7 mars 2005)

۲. بسیاری از کشورهای اسلامی دارای حکومت اسلامی نیز حجاب را به‌مثابه قانون اجباری قرار نداده‌اند. در عربستان سعودی، پادشاهی آل سعود در مورد مکه و مدینه حساسیت خاصی دارد و در کشور پاکستان روزی با عنوان روز حجاب وجود دارد که این مراسم به همت شاخه زنان حزب «جماعت اسلامی پاکستان» انجام

نهادینه پیش‌بینی نکرده‌اند و بیشتر در قالب گشت‌های ارشادی و امر به معروف و نهی از منکر چنین الزاماتی تعریف می‌شود. پیش از مرحله ارشاد و سپس امر به معروف و نهی از منکر، باید موضوع آموزش شهروندان جدی تلقی شود. براساس اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی، این جزء وظایف اولیه دولت جمهوری اسلامی است و تا این مرحله طی نشده، نوبت به اصل هشتم قانون اساسی، که ناظر به اصل امر به معروف است، نمی‌رسد [۲۷].^۱

اما در جمهوری اسلامی ایران با نظر امام(ره) حجاب روند اجباری پیدا کرد. شاید با تحقق انقلاب اسلامی تصور چنین قوانینی برای حجاب دور از انتظار نبود، زیرا در همان ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، که مردم با ۹۸ درصد از آرا به جمهوری اسلامی رأی دادند، گویی برخی به تدریج منتظر بودند تا از نیمه دوم فروردین همان سال طرح‌هایی همچون زنانه و مردانه کردن پلاژهای دریا مطرح و اجرا شود. در عمل هم چنین شد. از صبح شنبه چهاردهم تیر ۱۳۵۹ رسماً با نظر امام(ره) ورود زنان بی‌حجاب به ادارات و سازمان‌های دولتی ممنوع شد. درواقع، اولین بار روز هفدهم اسفند ۱۳۵۷^۲ در پی تشنج‌های میان معترضان و مردم، دفتر امام خمینی(ره) طی

می‌شود. مسئله حجاب عملاً و علناً در سایر کشورها نمود قانونی جبری و صریح ندارد. به همین میزان، بدجایی هم بی‌معناست. طبق اعلام این حزب، از اول تا دهم سپتامبر (۱۰-۱۹ شهریور) برنامه دوازده‌روزه‌ای برای ترویج حجاب در سراسر این کشور اجرا می‌شود.

۱. نتیجه بررسی‌ها و مطالعه پژوهش‌ها همگی نشان می‌دهد که موضوع میزان رعایت حجاب و عفاف بیش از آنکه موضوعی خارجی و تحمیلی باشد، موضوعی درونی، فرهنگی و در ارتباط با میزان تغییر نگرش‌ها و ارزش‌ها، کم‌کاری نهادها و خانواده‌ها و ناآگاهی است. نتایج حاصل از گزارش نیروی انتظامی در خصوص اینکه:

بیش از ۷۵ درصد دستگیرشدگان زیر ۲۵ سال سن دارند که ۸۴ درصد آن‌ها مجردند؛

بیش از ۷۵ درصد آن‌ها سطح تحصیل بین دیپلم تا لیسانس دارند؛

بیش از ۴۵ درصد آن‌ها محصل و دانشجو هستند؛

بیش از ۷۵ درصد آن‌ها فقط یک بار دستگیر شده‌اند.

به‌خوبی نشان می‌دهد که عمده جامعه هدف و آسیب‌پذیر (۷۵ درصد دستگیرشدگان) این موضوع، نوجوانان و جوانان کم‌آگاه و تازه‌وارد به عرصه اجتماع‌اند که رفتار آن‌ها را می‌توان بازتابی از اقتضات سن بلوغ، که به‌درستی هدایت نشده، واکنش‌های احساسی، تقلیدی و برای جلب توجه دانست. این موضوع نشان می‌دهد که کارکرد آموزش و پرورش و رسانه ملی در درونی‌سازی عفاف و حجاب موفقیت‌آمیز نبوده است.

۲. درواقع، اولین صحبت‌ها از دوشنبه شانزدهم اسفند ۱۳۵۷ برابر هفتم مارس ۱۳۷۹ آغاز شد. روزنامه/اطلاعات آن روز نوشت: «به گزارش خبرنگار/اطلاعات از قم، آیت‌الله خمینی ضمن سخنانی در مدرسه فیضیه خطاب به طلاب علوم دینی فرمودند: زن‌های اسلامی عروسک نیستند. زنان اسلامی باید با حجاب بیرون بیایند، نه اینکه خودشان را بزک کنند.» روز بعد، سه‌شنبه هفدهم اسفند ۱۳۵۷ برابر هشتم مارس ۱۹۷۹، همین روزنامه نوشت: «بنا به نوشته روزنامه/اطلاعات، در پی سخنرانی آیت‌الله خمینی که دیروز گفته بود از فردا باید بانوان با حجاب اسلامی در وزارت‌خانه‌ها حاضر شوند^۳ عده‌ای تندرو با شدت عمل از بانوان بی‌حجاب و اقلیت‌های مذهبی خواستند که از فردا حتماً با چادر حاضر شوند؛ والا با شدت عمل مواجه می‌شوند.»

اعلامیه‌ای هرگونه تعرض به زنان بی‌حجاب را محکوم می‌کند: «هرگونه تعرض به زنان بی‌حجاب ممنوع است و ارگان مسئول موظف به برخورد با افراد خاطی هستند» [۱].^۱

فرمایش امام در مسئلهٔ حجاب

تا سال ۱۳۶۲، حادثهٔ خاصی درخصوص حجاب در کشور اتفاق نمی‌افتد و حتی گروه‌های معارض، همانند مجاهدین خلق، نیز حجاب را رعایت می‌کنند. اما از سال ۱۳۶۲ کشور با پدیدهٔ جدیدی به نام بدحجابی مواجه می‌شود. از این‌رو، مجلس شورای اسلامی ایران در سال ۱۳۶۲ قانون مجازات اسلامی را به تصویب رساند. به موجب این قانون، هرکس در معابر عمومی حجاب را رعایت نکند، به ۷۲ ضربه شلاق محکوم خواهد شد [۴۲].^۲ با این حال، فرمایش امام در مسئلهٔ حجاب در این دوره را باید در سه موضوع مستقل تحلیل کرد:

- اول آنکه تأکید امام راحل در ابتدا حجاب در مراکز دولتی بود و نه فضای کل جامعه بود: «لان وزارت‌خانه‌ها- این را می‌گوییم که به دولت برسد، آن‌طوری که برای من نقل می‌کنند- باز همان صورت زمان طاغوت را دارد. وزارت‌خانهٔ اسلامی نباید در آن معصیت بشود. در وزارت‌خانه‌های اسلامی نباید زن‌های (بی‌حجاب) بیایند، زن‌ها بروند، اما باحجاب باشند. مانعی ندارد بروند، اما کار نکنند، لکن با حجاب شرعی باشند، با حفظ جهات شرعی باشند» [۲۴].
- دوم آنکه امام درخصوص حجاب هرچند در محافل خصوصی بر چادر توجه داشتند، علناً فقط شکل خاصی را مشروع ندانستند و صرفاً بر مقولهٔ حجاب شرعی تأکید فرمودند. همان‌طور که در پاریس در پاسخ خبرنگاران و بانوان محجبه‌ای که دربارهٔ میزان حجاب در ایران از ایشان سؤال کردند، فرمودند: «آری، در اسلام زن باید حجاب داشته باشد، ولی لازم نیست که چادر باشد. بلکه زن می‌تواند هر لباسی را که حجابش را به وجود آورد اختیار کند. ما نمی‌توانیم و اسلام نمی‌خواهد که زن

۱. آیت‌الله اشراقی افزود: «اما فکر می‌کنم مردم مسلمانی که آشنا با احکام اسلامی دارند با اینکه همه اشتیاق کامل دارند که حجاب اسلامی باشد و آقا نظر مبارکشان این است که همه‌جا حجاب اسلامی رواج یابد، خانم‌ها حتی المقدور حجاب را رعایت کنند، ولی مردم نباید هرج‌ومرج ایجاد کنند و نباید در نهی از منکر، منکر را با منکر دیگری دفع کرد. منکر را باید با روش مسالمت‌آمیز دفع کرد. استدعا کنند، خواهش کنند از خانم‌ها که رعایت حجاب اسلامی را نکنند، اما اگر توهینی پیش بیاید یا جسارتی بشود یا بخواهند به طورهای دیگری که خود آن کارها منکر باشد از نظر اسلام محکوم است، چه بهتر که مردم حتی المقدور سعی کنند و کوشش کنند که رعایت موازین اسلامی را نکنند و از طرف دیگر خود خانم‌ها هم باید این حکم اسلامی را خودشان اجرا کنند.»

۲. اولین قانونی که درخصوص پوشش زنان به تصویب رسید، مادهٔ ۱۰۲ قانون تعزیرات بود که در حال حاضر به صورت تبصره‌ای به مادهٔ ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ الحاق شده است.

به‌عنوان یک شیء و یک عروسک در دست ما باشد. اسلام می‌خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد. ما هرگز اجازه نمی‌دهیم تا زنان فقط شیئی برای مردان و آلت هوسرانی باشند» [۲۴].

• درنهایت، سوم آنکه، امام راحل برای متخلفان از قانون حجاب، مداخله عمومی افراد غیرمسئول را ممنوع کردند و تأکید داشتند که این نوع دخالت‌ها برای مسلمان‌ها حرام است و فقط باید پلیس و کمیته‌ها از انحرافات جلوگیری کنند: «ممکن است تعرض به زن‌ها در خیابان و کوچه و بازار از ناحیه منحرفین و مخالفین انقلاب باشد. از این جهت، کسی حق تعرض ندارد و این‌گونه دخالت‌ها برای مسلمان‌ها حرام است و باید پلیس و کمیته‌ها از این‌گونه جریان‌ها جلوگیری کنند» [۲۴].

مسئله حجاب کنونی و موضع مقام معظم رهبری

در زمان رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مسئله حجاب با عنوان بدحجابی روبه‌رشد همچنان ادامه می‌یابد. در این دوره، می‌توان مهم‌ترین قانونی که بی‌حجابی را جرم دانست و به آن پرداخت، ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ دانست. به موجب این ماده: «هرکس علناً در انتظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نیست ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» در تبصره این ماده، که همان ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ است [۴۲]، آمده: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انتظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه و یا از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. البته بنابر ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، چنانچه قاضی تشخیص بدهد، می‌تواند حبس و شلاق متهم را به جزای نقدی تبدیل کند.» در این زمینه، شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۴، قانون راه‌کارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب را به تصویب می‌رساند؛ قانونی که هدف از ارائه آن، درونی و نهادینه کردن حجاب و عفاف، با مشارکت و توجه جدی همه نهادها و دستگاه‌ها به صورت مستمر و هدفمند است. در فرمایشات مقام معظم رهبری نیز صراحتی بر دفاع از قانون حجاب به صورت اجباری وجود ندارد. بالعکس همواره دفاع منطقی از اصول اسلامی در قالب امر به معروف و نهی از منکر

۱. مجلس شورای اسلامی ایران در سال ۱۳۶۳ قانون مجازات اسلامی را به تصویب رساند. به موجب این قانون، هرکس در معابر عمومی حجاب را رعایت نکند، به ۷۲ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. اولین قانونی که در خصوص پوشش زنان به تصویب رسید، ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات بود که در حال حاضر به صورت تبصره‌ای به ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ الحاق شده است.

دیده می‌شود. یکی از موارد مهم اشاره ایشان در سخنرانی وی در جمع علما و روحانیان خراسان شمالی است که فرمودند:

...مدارا کنید. ممکن است ظاهر زنده‌ای داشته باشد؛ داشته باشد. بعضی از همین‌هایی که در استقبال امروز بودند و شما هم جناب آقای مهمان‌نواز، هم بقیه آقایان - الان در این تریبون از آن‌ها تعریف کردید، خانم‌هایی بودند که در عرف معمولی به آن‌ها می‌گویند «خانم بدحجاب»؛ اشک هم از چشمش دارد می‌ریزد. حالا چه کار کنیم؟ ردش کنید؟ مصلحت است؟ حق است؟ نه، دل، متعلق به این جبهه است؛ جان، دل‌باخته به این اهداف و آرمان‌هاست. او یک نقصی دارد. مگر من نقص ندارم؟ نقص او ظاهر است، نقص‌های این حقیر باطن است؛ نمی‌بینند. «گفتا شیخا هر آنچه گویی هستم / آیا تو چنان که می‌نمایی هستی؟» ما هم یک نقص داریم، او هم یک نقص دارد. با این نگاه و با این روحیه برخورد کنید. البته انسان نهی از منکر هم می‌کند؛ نهی از منکر با زبان خوش، نه با ایجاد نفرت [۱۰].

به استناد فرمایشی از رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با نقد شیوه برخورد با نوع پوشش و رنگ لباس جوانان و با انتقاد از تفکیک جنسیتی می‌افزاید:

هنوز فکر می‌کنم اگر ابتکار را دست بگیریم، توقعات خانم‌ها و جوان‌ها را شرعاً می‌توانیم تأمین کنیم و پیش خداوند هم حجت داریم. انقلاب اسلامی را هم می‌توانیم حفظ کنیم. لابد می‌دانید که رهبری در مقابل فشار همین سخت‌گیری‌ها یک بار فرمودند: «وجهی برای تحمل چادر نمی‌بینم» [۶۶].

این فرمایش شاید به نوعی بیانگر نارضایتی ضمنی مقامات مسئول در جمهوری اسلامی بر اجاب‌های قانونی و نیز فراشرعی همچون افراط در حجاب اجباری است. اینکه دولت اسلامی می‌تواند در مقام اجرای یک حکم مصلحتاً و موقتاً امر مستحب یا قابل احتیاطی را واجب و قانونی کند، مخالف شریعت نیست. مثلاً اذن پدر برای ازدواج دختر باکره طبق قانون مدنی الزامی است؛ در حالی که در نزد عموم فقها احتیاط واجب است [۵۷].^۱ موضوع اصل حجاب و حدود و ثغور فراتر از حکم شرعی و واجب آن هرچند از سوی قانون‌گذار دولت اسلامی می‌تواند موضوع الزام قانونی باشد، باید همواره به خاطر داشت که این حکم همیشه حکمی ثانویه و مصلحتی است و در صورت رفع شرایط الزام و اضطرار بازگشت به وضع اولیه حکم در حدود شریعت، و نه کم‌وبیش، واجب و لازم است. براساس همین استدلال است که رئیس تشخیص مصلحت نظام در بیانی خاص گفته‌اند:

۱. این قانون در جمهوری اسلامی بیشتر تعدیل شد. طبق ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی اصلاحی سال ۱۳۷۰: «در صورتی که پدر یا جد پدری در محل حاضر نباشند و استیذان از آن‌ها نیز عادتاً غیرممکن بوده و دختر نیز احتیاج به ازدواج داشته باشد، وی می‌تواند اقدام به ازدواج نماید. تبصره - ثبت این ازدواج در دفترخانه منوط به احراز موارد فوق در دادگاه مدنی خاص می‌باشد.»
۲. تقریباً بیشتر فقهای هم که اذن پدر را شرط می‌دانند، عمدتاً مطلب را به صورت احتیاط واجب بیان کرده‌اند. با اینکه از لحاظ فتوایی نظر قوی‌تر برای آن‌ها همان استقلال دختر بوده است.

در حدیث این جمله است: «ان الله يحب ان يوخذ برخصه كما يحب يوخذ بعزائمه»، خداوند همان مقدار که می‌خواهد به تکلیف‌های واجب عمل شود، همان مقدار هم می‌خواهد به رخصت‌ها عمل شود. امام(ره) همواره نصیحت می‌کردند که در زندگی و در برخورد با مردم و در آموزش‌ها و منبرها، خواسته‌های خشک مقدس‌ها و احتیاط‌های سخت را مطرح نکنید که مردم بتوانند به طرف اسلام بروند. آیت‌الله بروجردی می‌گفتند: «این احتیاط‌هایی که ما می‌کنیم، خلاف احتیاط است. چون از بس سخت‌گیری می‌کنیم، افراد پشیمان می‌شوند. نباید بیشتر از همان مقدار که خدا خواسته است از مردم بخواهیم.» ما که نمی‌خواهیم بیشتر از خدا و پیامبر(ص) مسلمان باشیم [۶۶].

در جمهوری اسلامی ایران مجازات متخلفان براساس قانون مجازات اسلامی پس از انقلاب اسلامی رسمیت یافت، اما عملاً قانون به شکل صحیح هیچ‌گاه قابلیت اجرا پیدا نکرده و نمی‌کند و اغلب به صورت نوعی برخورد فصلی و صنفی، آن هم از طریق نیروی انتظامی با رویکرد امنیتی، انجام می‌گیرد. حال آنکه در مقام اجرای یک قانون طبیعتاً آخرین حربه باید قوه قهریه پلیس و نیروهای انتظامی باشد. قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، که در ۱۳ دی ۱۳۸۴ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید، نیز در عمل توفیق چندانی نیافته است.

نتیجه

حجاب از شاعیر و نشانه‌های دینداری است. چنان که قرآن کریم در آیه ۳۱۲ سوره حج می‌فرماید: وَمَنْ يُعْظِمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ. همین پرچم دینی زن مسلمان است که امروز موضوع مباحثات جدی حقوقی و سیاسی در جهان شده است. با وجود این، مسئله ایران معاصر دیگر صرفاً مسئله حجاب نیست، بلکه مسئله روز در واقع گذری از بدحجابی به بی‌حجابی است. با گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی، در هر دوره به اشکال متفاوت بر حجاب تأکید شده است. دهه ۱۳۶۰، دهه حجاب و الزامات قانونی آن است. دهه ۱۳۷۰، دوران سازندگی و اصلاحات و مرحله حیاتی برای بروز بیشتر بدحجابی در اشکال متنوع آن و نهادینه شدن آن است. در نهایت، از دهه هشتاد تا کنون به تدریج موضوع به سمت بی‌حجابی و توفیق گفتمانی در این خصوص در حال توسعه است. از این رو، باید در نگاه اول نتیجه گرفت که حجاب در جمهوری اسلامی ایران به موضوعی مهم‌تر از یک مسئله صرف دینی و فقهی تبدیل شده است. به تدریج مسئله پوشش شرعی یا همان مسئله حجاب به یک تحدی اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است. از این رو، مسئله حجاب در ایران معاصر به منزله موضوع روز بنا به دلایل اقتصادی و فرهنگی (و نه لزوماً سیاسی و امنیتی) ادامه خواهد داشت. در این مسیر، استناد به اصل قانونی بودن حجاب تنها معیار الزام به پوشش اسلامی برای همه شهروندان خواهد بود. اما اینکه این قانون و الزامات آن تا چه میزان جواب داده و خواهد داد محتاج تأمل بیشتری است، زیرا قانون نمی‌تواند صرفاً بر مبنای مشروعیت

الزام قوه قاهره از سوی حکومت مبتنی باشد، بلکه برای دوام بی‌دردسر و بلندمدت محتاج انعطاف مبتنی بر عرف است. به این معنا که قانون باید وضعیت شهروندان و رضایت حداقلی آن‌ها را مد نظر داشته باشد تا دیکتاتوری قانون غیرمقبول تلقی نشود. تاکنون، به‌رغم رضایت نسبی شهروندان برای الزام حجاب، به نوعی اجرای غلط قانون در قالب‌های فصلی و فردی به نارضایتی فراوان و در نتیجه فرار از قانون منجر شده است. این فرار از قانون در جامعه‌ای دینی می‌تواند به فرار از دین منجر شود. از این‌رو، ضمن بازخوانی قانون، توجه به مجاری الزام قانونی و شیوه‌های اجرای عادلانه و بدون تبعیض قانون حجاب می‌تواند حداقل اصل قانونی بودن حجاب در ایران را در منظر شهروندان ایرانی مقبول و مشروع جلوه دهد. یکی از راه‌های جلب مجدد محبوبیت حجاب، تسهیل تفریح و تفرج با حجاب و تقلیل هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی افراد محجبه به طرق مختلف است. خارج از حمایت‌های صریح مادی و معنوی دولتی برای شهروندان معتقد به حجاب کامل، هر نوع تأکید بر ادله صرف شرعی، چنان‌که توضیح آن گذشت، در این مسیر اگر تماماً ناموفق نباشد، در نهایت بی‌مورد و بی‌نتیجه است، زیرا منابع و مستندات تاریخی و شرعی بیشتر از عدم الزام غیرمؤمنان و اقلیت‌های دینی به حجاب اسلامی سخن می‌گوید. بنابراین، الزام مبتنی بر جبر قانونی هرچند تنها گزینه است، گزینه پیشینی‌تر، با جلب قلوب شهروندان از طریق تشویق‌های مدام و بدون استفاده تبلیغاتی و فصلی از باحجاب و بدحجاب برای مقاصد سیاسی مقدور است. در این میان، البته الزام خود دولت به آموزش شهروندان بحثی پیشینی‌تر است که بدون آموزش شهروندان و اعمال تشویق و تسهیل اجتماعی و اقتصادی، اتکای صرف به مرحله سوم، یعنی اعمال هرچند غیرسلیقه‌ای قانون حجاب، در بلندمدت تأثیر منفی بر وفاداری شهروندان به حکومت خواهد گذاشت.

منابع

- [۱] قرآن کریم.
- [۲] آملی لاریجانی، صادق (۱۳۹۲). «همایش ملی امر به معروف و نهی از منکر»، ۴ آبان.
- [۳] افکار نیوز (۱۳۹۰). مسئله حجاب با طرح تابستانه حل نمی‌شود: یکشنبه ۱۹ تیر: <http://www.afkarnews.ir/vdcdzo0s.yt0jn6a22y.html>
- [۴] اسماعیل المقدم محمد احمد (۱۴۲۰). *عودة الحجاب*، ریاض: دار طيبة، المملكة العربية السعودية.
- [۵] اعزازی، شهلا (۱۳۷۳). *خانواده و تلویزیون*، گناباد: مرنديز.
- [۶] اکبر، احمد؛ دونان، هاستینگر (۱۳۸۴). *اسلام جهانی شدن و پست‌مدرنیته*، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- [۷] جامعه خبری تحلیلی (۱۳۹۳). *بازداشت عامل حمله به زنان در جهرم: یکشنبه ۹ آذر*: <http://alef.ir/vdccc1xqim2bqp48.ala2.html?۲۵۰۸۳۷>
- [۸] بار، ویون (۱۳۸۳). *جنسیت و روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه حبیب احمدی و بیتا شایق، شیراز: نوید شیراز.

- [۹] بهارنیوز (۱۳۹۳). یک خبرگزاری بدحجابان را به تجاوز تهدید کرد! / خرداد:
- <http://baharnews.ir/news/42765> یک-خبرگزاری-بدحجابان-تجاوز-تهدید-کرد
- [۱۰] بیانات در دیدار علما و روحانیان استان خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۰۷/۱۹-۲۱:۳۲
<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=9955>
- [۱۱] پارسا، طیبه (۱۳۷۷). پوشش زن در گستره تاریخ، قم: احسن الحدیث.
- [۱۲] ترکمنی آذر، پروین (۱۳۷۵). «تصویر و تصور بیگانگان از حجاب»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های سمینار حجاب، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران.
- [۱۳] تقوی، سیدرضا (۱۳۷۵). «پیام حجاب»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های سمینار حجاب، تهران: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان.
- [۱۴] جاوید محمدجواد (۱۳۸۸). *تأملی در ابعاد نظری و عملی حجاب*، (به‌اهتمام) پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- [۱۵] جاوید محمدجواد (۱۳۸۸). *حجاب در ادیان توحیدی...*، (به‌اهتمام) پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- [۱۶] جاوید محمدجواد (۱۳۸۸). *مطالعه موردی حجاب...*، (به‌اهتمام) پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- [۱۷] جاوید محمدجواد (۱۳۹۲). *نقد مبانی فلسفی حقوق بشر، فلسفه طبیعی حقوق بشر*، ج ۱ و ۲، تهران: مخاطب.
- [۱۸] جعفریان، رسول (۱۳۸۳). *داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- [۱۹] جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). *نسبت دین و دنیا، بررسی و نقد نظریه سکولاریسم*، ج ۲، چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی، تهران: مرکز نشر اسراء، بهمن ماه.
- [۲۰] حدادعادل، غلامعلی (۱۳۷۴). *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*، تهران: سروش، ج ۶.
- [۲۱] حسینی شیرازی (۱۳۷۵). «ارائه طرح اجرایی رابطه حجاب با تکامل اجتماعی»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های سمینار حجاب، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران.
- [۲۲] باقری، خسرو (۱۳۸۲). *مبانی فلسفی فمینیسم*، تهران: وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- [۲۳] خمینی، روح‌الله، *وصیت‌نامه*، بند م:
<http://farsi.khamenei.ir/imam-content?id=9447>
- [۲۴] خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰). *صحیفه نور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۲.
- [۲۵] خندان، علی‌اصغر (۱۳۸۸). *حجاب افراد غیرمسلمان در جامعه اسلامی* (در گفتارهایی پیرامون حجاب)، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- [۲۶] دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی (۱۳۸۶). «وضعیت‌سنجی پوشش و آرایش مترددین بالای ۱۲ سال شهر تهران»، دبیرخانه، تهران.
- [۲۷] دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۱). «عفاف و حجاب: از وضعیت موجود تا وضعیت مطلوب»، گزارش بهار.

- [۲۸] سادات موسوی، زهره (۱۳۸۵). «عفاف و حجاب در ادیان الهی»، مرکز امور زنان و خانواده.
- [۲۹] ساناساریان، الیز (۱۳۸۴). جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷)، ترجمهٔ نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران.
- [۳۰] سرویس فرهنگی پایگاه ۵۹۸ (۱۳۹۳). آیا قانونی برای حجاب اجباری وجود دارد؟ ۱۰ شهریور: <http://www.598.ir/fa/news/246511>
- [۳۱] سوپل، آلن (۱۳۸۶). فلسفهٔ جنسیت، ترجمهٔ بهروز جندقی، تهران: باشگاه اندیشه.
- [۳۲] سیمای جمهوری اسلامی ایران ادارهٔ کل نظارت و ارزیابی (۱۳۸۶). «بررسی کمی و کیفی حضور زنان چادری در سریال‌های پر بینندهٔ سیما»، تهران.
- [۳۳] شبکهٔ ایران زنان (۱۳۹۱). ۱۶ دی: http://www.iran زنان.ir/first_point/003870.php?q=print
- [۳۴] شمس‌الدین محمد مهدی (۲۰۰۹). الستر و النظر، بیروت: مؤسسهٔ المنار.
- [۳۵] شورای عالی انقلاب فرهنگی، قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، مصوبهٔ ۱۳ دی ۱۳۸۴.
- [۳۶] صدقی، نعمت (۱۳۸۱). خودآرایی زن از دیدگاه قرآن، ترجمهٔ فرزانه غفاری، تهران: احسان، چ ۴.
- [۳۷] صلاح، مهدی (۱۳۸۴). کشف حجاب: زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، تهران: مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- [۳۸] غنوشی، راشد (۱۳۸۱). آزادی‌های عمومی در حکومت اسلامی، ترجمهٔ حسین صابری، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۳۹] فارس‌نیوز (۱۳۹۳). «مصادیق بدپوششی زمستان ۹۳ اعلام شد/ برخورد با ساپورت پوش‌ها»، ۱۵ آذر: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930915000729>
- [۴۰] فارس‌نیوز (۱۳۹۳). «طراحی سازوکارهای خودکنترلی برای حفظ حجاب در جامعه از طریق کاهش امنیت زنان بدحجاب در جامعه»، ۲۷ اردیبهشت: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910414000236>
- [۴۱] فتاحی‌زاده، فتحیه (۱۳۷۳). حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی قم.
- [۴۲] قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵. : <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/92683>
- [۴۳] قانون مدنی اصلاحی سال ۱۳۷۰. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- [۴۴] گروه تحقیق و نویسندگان مؤسسه (۱۳۸۱). حکایت کشف حجاب (۱-۲)، تهران: مؤسسهٔ فرهنگی قدر ولایت.
- [۴۵] قرائتی، محسن (۱۳۶۱). تفسیر سورهٔ قصص، انتشارات علمیة اسلامیة، شهر یور.
- [۴۶] قرضاوی، یوسف (۱۴۲۲). النقباء المرأة بین القول...، بیروت: مؤسسهٔ الرسالة.
- [۴۷] کهن، ابراهام (۱۳۸۲). گنجینه‌ای از تلمود، ترجمهٔ امیرفریدون گرگانی، ترجمه و تطبیق با متون عربی: یهوشوع نتن الی، تهران: اساطیر.
- [۴۸] گواهی، زهرا (۱۳۶۹). سیمای زن در آینهٔ فقه، مرکز چاپ و انتشار سازمان تبلیغات اسلامی.
- [۴۹] مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار، بیروت مؤسسهٔ الوفاء، ج ۱۳: <http://www.noorlib.ir/view/fa/book/bookview/image/11145>

- [۵۰] حکیم‌پور، محمد (۱۳۸۲). حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، تأملی در مبادی هرمونوتیک حقوق زن، تهران: نعمة نواندیش.
- [۵۱] محمد منصورنژاد (۱۳۸۱). مسئله زن، اسلام و فمینیسم (در دفاع از حقوق زنان)، تهران: برگ زیتون.
- [۵۲] مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.
- [۵۳] _____ (۱۳۵۳). مسئله حجاب، انجمن اسلامی پزشکان، چ ۲.
- [۵۴] _____ (بی تا). مسئله حجاب، تهران: صدرا.
- [۵۵] _____ (۱۳۷۱). مسئله حجاب، تهران: صدرا.
- [۵۶] مکنون، ثریا (۱۳۷۵). «حجاب و حضور سیاسی زن در اجتماع، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های سمینار حجاب»، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران.
- [۵۷] مهرپور، حسین. اجازه ولی در عقد نکاح=<http://www.ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id=۲۰۴>
- [۵۸] مهریزی مهدی (۱۳۷۹). آسیب‌شناسی حجاب، تهران: جوانه رشد.
- [۵۹] مودودی، ابوالاعلی (۱۳۶۹). حجاب، ترجمه نعمت‌الله شهرانی، تهران: احسان.
- [۶۰] موسوی سرخی اصفهانی، محمودبن السید مهدی (۱۴۱۵). النساء فی اخبار الفریقین، تهران: نشر مؤلف.
- [۶۱] ناصرالدین الألبانی (۲۰۰۲). حجاب المرأة المسلمة فی الكتاب و السنة، بیروت: المكتب الاسلامی.
- [۶۲] نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها (۱۳۸۵). احکام نگاه و پوشش / مطابق با نظر ده تن از مراجع عظام سید مجتبی حسینی، تهران: دفتر نشر معارف.
- [۶۳] واحد فرهنگ‌نویسی و تدوین کتاب‌های مرجع فرهنگ (۱۳۸۳). دایرةالمعارف دانش بشر، ۲ جلدی، تهران: نشر نور.
- [۶۴] وشنوی القمی، محمد قوام (۱۳۷۹ق). الحجاب فی الاسلام، قم: مطبعة الحکمة.
- [۶۵] دورانت، ویل (۱۳۸۰). تاریخ تمدن، عصر ایمان، کتاب سوم، تهران: علمی فرهنگی، چ ۷.
- [۶۶] هاشمی رفسنجانی، اکبر. آیا زنان می‌توانند کت و دامن بپوشند؟
- <http://www.hashemirafsanjani.ir/fa/node/۲۲۹۱۰۷>